

تحلیل شناختی مفهوم استعاری «انتقال» در حرف «حتی» با نگاهی به نقد تأویلات مبتنی بر مفهوم «انتها» در قرآن

مریم توکل نیا^۱
ولی اله حسومی^۲

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی حرف «حتی» در قرآن پرداخته است که یکی از حروف پرکاربرد بوده و از جهت عملکرد به حرف «الی» شباهت دارد؛ بر همین اساس برخی، اکثر موارد کاربرد آن را به معنای «انتها» گرفته و گاه تأویلات نادرست از آیات ارائه کرده‌اند. اما معنای «انتها» معنای اولیه و پیش نمونه‌ای این حرف است و همه موارد کاربرد آن محدود به این معنای پیش نمونه‌ای نیست؛ بلکه با قرار گرفتن در بافت‌های متفاوت و از طریق استعاری از مفهوم «انتها»، مفاهیم انتزاعی دیگر را کدگذاری کرده است. از جمله این مفاهیم، مفهوم «انتقال» است. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از اصول معناشناسی به تحلیل این حوزه‌ی معنایی حرف «حتی» پرداخته است. طبق بررسی‌های انجام گرفته گاهی حرف «حتی» با ایجاد تغییر در طرح واژه‌ی اولیه‌ی آن، انتقال مسیر پیما از حالت، موقعیت یا مرتبه‌ای به حالت و مرتبه‌ای دیگر را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر صرفاً بیان‌کننده مرحله‌ی نهایی فعل نیست بلکه رسیدن به انتها و ورود مسیر پیما به مرحله جدید را کدگذاری می‌کند.

واژگان کلیدی: معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی، حرف حتی، مفهوم انتقال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی مقطع دکتری. maryamtavakoly@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان. Dr.hasoomi@theo.usb.ac.ir. تلفن: ۰۹۱۳۲۷۱۴۵۰۰.

بیان مسئله

زبان‌شناسی شناختی، که یکی از مکاتب زبان‌شناسی است، از درون مکتب صورت‌نگرا در دهه ۱۹۷۱ میلادی جوانه زد و مهمترین فرض آن این است که زبان الگوی اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان است و مطالعات زبانی باید بر اساس قوای شناختی انسان سازماندهی شود. (رک: راسخ‌مهند، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۲) بنابراین در این رویکرد تلاش همواره بر این بوده، که تبیین‌های صورت گرفته در تمامی وجوه مطابق با واقعیت‌های روان‌شناختی موجود بشر باشد و توصیفات با اصول حاکم بر کارکرد مغز و ذهن سازگار باشد. (راسخ‌مهند، ۱۳۹۰: ۱۷) بر این اساس عبارات‌های زبانی با پشتوانه‌ی مؤلفه‌های شناختی ساخته می‌شوند. در این صورت تحلیل تعابیر زبانی و ارتباط آن با موقعیت‌های گوناگون به روش شناختی، می‌تواند حقایقی را بیش از معنای اصلی واژگان اما مرتبط با آن، در برابر پژوهشگران زبان قرآن مکشوف سازد. یکی از این روش‌ها، استعاره است، که متضمن رابطه‌ای میان دو حوزه، حوزه‌ی منبع و حوزه‌ی هدف است. حوزه‌ی منبع، همان منبع معانی تحت الفظی عبارات‌های استعاری است و حوزه‌ی هدف، حوزه‌ی تجربه‌ای است که با استعاره توصیف شده است. (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۹۶) گاهی این روش کشف معانی واژگان به حوزه‌ی حروف جر در قرآن راه یافته و باعث توسعه‌ی معنای پیش‌نمونه‌ای و اصلی این واژگان می‌شود، یکی از این حروف، حرف حتی است، که ناظر به این موضوع است که، مسیرپیما فقط ملزم به حرکت تا یک محدوده مشخص است هرچند آن محدوده فرضی باشد، از این مفهوم، معانی دیگری هم با ارتباط استعاری منشعب می‌شود، زیرا در بازنمایی یک صحنه مکانی، شیوه‌ی یک دستی وجود ندارد، به گونه‌ای که اگر بتوان برای حرکت یک مسیرپیما با کاربرد حرف «حتی» حدی را مشخص کرد که آن را از حرکت بازدارد، الزاماً برای همه صحنه‌های مکانی بتوان چنین عمل کرد، هر صحنه بازنمایی خاص خودش را دارد، و همین صحنه‌ها مبنای پدید آمدن طیفی از معانی انتزاعی از این حرف شده، این حرف که صد و سی و نه مرتبه در قرآن کاربرد یافته، در هفت مورد که در ادامه به توضیح آن پرداخته خواهد شد، معنای استعاری «انتقال» را به همراه دارد و پرداختن به آن از آن‌جا که یکی از دغدغه‌های مهم متفکران عرصه‌ی علوم قرآن فهم و درک معنای حقیقی آیات است، ضروری می‌نماید زیرا معناشناسی واژگانی برای رفع این دغدغه می‌تواند راه‌گشا باشد. در همین راستا مفهوم استعاری انتقال در حرف حتی انتخاب و با معناشناسی دقیق آن به روش شناختی، علاوه بر ارائه‌ی تفسیری دقیق‌تر از آیاتی که حتی در آن‌ها این معنا را کد گذاری کرده، روشی را در جهت کشف مفاهیم سایر واژگان قرآن به متدبرین در قرآن معرفی می‌کند. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این سوالات است که؛

۱. حرف حتی چگونه مفهوم انتقال را مفهوم‌سازی می‌کند؟

۲. قصد کردن معنای «انتقال» از حرف «حتی» چه نتایجی را در تفسیر آیات به دنبال خواهد داشت؟ پاسخ‌گویی به این سؤالات می‌تواند خواننده را به معنای دقیق‌تر این حرف راهنمایی و تفسیری نزدیک به هدف نزول آیاتی که این حرف به معنای انتقال در آن‌ها به کار رفته، ارائه دهد، برای تبیین موضوع به مطالعه‌ی آثاری در این خصوص پرداخته تا چارچوبه‌ی علمی متناسب با هدف نگارش مقاله طراحی شود.

پیشینه‌ی تحقیق

بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی معناشناسی شناختی حروف در زبان فارسی صورت گرفته که بر پایه‌ی پیشرفت‌های زبان‌شناسی نوین در اروپا انجام شده است؛ لذا تا جایی که نگارنده بررسی کرده است در مورد نقش استعاری انتقال در حرف «حتی» پژوهشی صورت نگرفته است، جز آثاری که در برخی موارد به چند معنایی یک واژه پرداخته‌اند، از جمله؛ افراشی و صامت جوکندان، (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «چندمعنایی نظام مند با رویکردی شناختی» پس از معرفی چندمعنایی نظام‌مند در نگرش شناختی در تقابل با چندمعنایی در نگرش ساخت‌گرا، ملاحظات نظری را در قالب نمونه‌هایی از اندام‌واژه‌ها ارائه شده و به طور ویژه چند معنایی فعل «شنیدن» از فعل‌های حسی تشریح شد، آنگاه آن‌ها الگوی تیلر را برای ترسیم چندمعنایی فعل‌های حسی در زبان فارسی کارآمدترین دانسته است. پهلوان نژاد و اکبریور، (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «بررسی و توصیف معنای واژه‌ی «حتی» در زبان فارسی از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی» به بررسی معنای واژه حتی در قالب زبان‌شناسی ساختارگرا در زبان فارسی پرداخته، آنها بعد از بررسی معنای این واژه در فرهنگ‌های لغات به این نتیجه رسیدند، که حتی، به تبعیت از حتی در زبان عربی حرف تلقی شده و این دیدگاه را اشتباه دانسته و خود دو مفهوم متضاد، یعنی؛ «هم، علاوه بر» و «فقط» یا همان تجمیع و تفکیک را برای این حرف برگزیدند. اثر دیگر، گلفام و بهرامی، (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «نگاهی شناختی به مفهوم سببیت در زبان فارسی» ابتدا به تعریف مفهوم سببی‌سازی با شواهدی در زبان فارسی پرداخته، سپس زبان‌شناسی شناختی را معرفی و صاحب‌نظران این رویکرد به زبان لیکاف، جانسون و لانگاکر بنیان‌گذاران آن معرفی و فرض تحقیق را طرح کرده‌است آنها بعد از مطرح کردن این مبانی وارد اصل مبحث یعنی ترسیم نمای ارتباطی مفهوم سببیت و تشریح طرح‌واره‌ی این مفهوم پرداخته و در نهایت با استخدام جملاتی در زبان فارسی به تحلیل مورد نقش این مفهوم در عبارات پرداخته است. تألیف دیگر در این خصوص، ایمانی و منشی زاده، (۱۳۹۴ش) در مقاله‌ی «بررسی شبکه معنایی حرف «فی»، اهمیت آن در ترجمه قرآن از منظر معنی‌شناسی شناختی»، با تکیه بر معنای مکانی و کانونی حرف «فی» سایر معنای زمانی، انتزاعی، استعاری و مجازی را منشعب از معنای پیش‌نمونه این حرف می‌داند، و کاربردهای حرف «فی» را که به این طریق بسط یافته‌اند، از قرآن استخراج کرده و به صورت اشاره‌وار به مبحث طرح‌واره‌های تصویری پرداخته و در پایان با تحلیل‌هایی به چگونگی معادل‌آوری برای این حرف در زبان فارسی توجه داشته است.

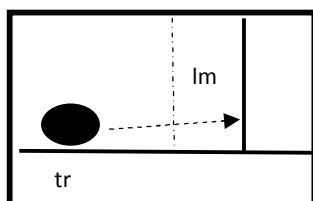
پژوهش حاضر به طور خاص به تبیین نقش و تأثیر مفهوم انتقال حرف حتی در تفسیر آیات قرآن پرداخته و با تکیه معناشناسی شناختی در قالب روش استعاری، به صورت مبسوط بحث مورد نظر را مورد بررسی و تحقیق قرار داده

است، که برای نیل به این مقصود نمونه‌های آن از قرآن استخراج شده و روشی دیگر جهت تحلیل و بررسی شناختی معانی آیات معرفی کرده است.

تحلیل حرف حتی از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی

مقوله‌ی دستوری «حتی» در زبان عربی «حرف جر» است، در مورد معنای پیش‌نمونه‌ای این واژه گفته شده که انتهای غایت است، یعنی واژه‌ی ما بعد حتی، غایت و نهایت است برای ماقبل آن، اما نکته‌ی در این‌جا قابل ذکر است، و آن این که معنای انتهای غایت در «حتی» نسبت به مفهوم آن در «الی» تا اندازه‌ای تفاوت وجود دارد، در توضیح انتهای غایت «حتی» باید گفت، غایتی که با حرف «حتی» نشان داده شده دقیقاً نقطه‌ی پایان را روشن نمی‌کند، بلکه انتهای غایت فرضی را تبیین می‌کند، زیرا مسیر پیما در حرف جر «حتی»، فعل است، به تعبیر دیگر در معنای پیش‌نمونه‌ای حتی با توجه به اینکه بر سر فعل وارد می‌شود نقطه پایان دقیقاً روشن نیست و حتی نسبت به آن ساکت یا بلاشرط است. و در واقع روند شکل‌گیری نقطه پایان را نشان می‌دهد. لذا برای تبیین مرزما لازم است در مورد مفهوم شناختی افعال قرآنی مطالبی مطرح شود.

در زبان شناسی شناختی فعل، مجموعه‌ای از فرایندها و مقولات را در بر دارد، که دلالت بر تجدد و تدریجی بودن فرایندها دارد. و به اعتقاد نظریه پردازان شناختی، فعل برعکس برداری‌های پی در پی دلالت دارد، که در آن، داده‌ها در مرحله‌ی خاصی از حادثه روی هم جمع می‌شوند، و پس از آن، مرحله‌ی جدیدی از عکس‌برداری آغاز می‌شود و داده‌های جدیدی جمع‌آوری می‌شوند و این فرایند همچنان ادامه دارد و هرگز در یک جا پایان نمی‌یابد در نتیجه، با توالی رویدادها مواجه هستیم. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۲۶) یعنی در درون هر فعل مجموعه افعال دیگری نهفته است که به تدریج در حال حادث شدن می‌باشند، لذا همان‌طور که اشاره شد گاهی این افعال مجرور «حتی» قرار می‌گیرد که این حرف، خود ویژگی‌هایی دارد، از جمله این که، حتی عمدتاً بر فعل مضارع با تقدیر آن، وارد می‌شود و مبین این است که فعل اندک اندک و به تدریج سپری شده و به پایان رسیده است. نکته‌ی دیگر این‌که، از اسامی فقط اسم ظاهر را جر می‌دهد و بر آخرین جزء چیزی که قبل از حتی آمده دلالت می‌کند. (سیوطی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۷) و قرآن در موارد متعددی از فعل به عنوان مجرور حتی استفاده کرده است، که منظر اعلای آن به این شکل ترسیم می‌شود این طرح واره اولیه حتی است که با کاربرد در بافت‌های مختلف تغییراتی در آن ایجاد می‌شود و باعث بسط و گسترش معنایی این حرف می‌شود؛



همان‌طور که ملاحظه می‌شود، (tr) به عنوان شیء متحرک که با دایره‌ی تیره مشخص شده حرکتش را به سوی مرزما (lm) که با خط عمودی نشان داده شده، آغاز می‌کند، اما چنان که توضیح داده شد، مرزما فعل است

و بنابراین مجموعه از فرایندها را که به شکل تدریجی اتفاق افتاده‌اند، پوشش می‌دهد، از این رو، انتهای غایت مشخصی برای حرف حتی نمی‌توان در نظر گرفت چراکه مرزنا شکل ثابتی ندارد بلکه موقعیتی پویا و سیال را تبیین می‌کند. بنابراین با توجه به اینکه قبل و بعد حتی دو فرایند است حتی حرکت مستمر یک مسیرپیما به سمت مرزنا مشخص را نمی‌رساند بلکه می‌گوید مرزنا اگر قرار است فرایند حرکت خود را انجام دهد این حرکت انتها و حد دارد که البته دقیقاً حد و حدود آن روشن نیست. و حرکت مسیرپیما به سمت مرزنا نیز مستمر و الزامی نیست آن‌چه الزامی است این است که حرکت باید تدریجی باشد و در یک مکان متوقف شود. مانند زمانی که گفته می‌شود، «اکلت سمکت حتی رأسه» که فرایند خوردن مسیرپیما را تا سر ماهی نشان می‌دهد. حال به آیه ای توجه کنید که حتی به معنای پیش‌نمونه ای در آن بکار رفته است؛

مثلاً در این آیه: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ تَسْمَعُوا لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (بقره/۱۸۷) «و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود.»

در اینجا ضمیر جمع او و مسیرپیماست که بر اساس حرف حتی باید فرایند خوردن را فقط تا زمان تبیین ادامه دهد البته نمی‌گوید فرایند خوردن و آشامیدن باید مستمر باشد، بلکه می‌گوید، اگر خوردن و آشامیدن است باید تا تبیین باشد. ولی با توجه به اینکه عمده‌ی کاربردهای حتی همراه فعل است و از نظر معناشناسی شناختی کاربرد فعل در کلام نشان دهنده‌ی این است که فرایندی تدریجی شکل گرفته و نوع شکل‌گیری آن مهم است نه انتهای آن. لذا حرف حتی وقتی همراه فعل به کار می‌رود معنای انتهای غایت بودن آن با فعل ترکیب می‌شود و نقطه پایان غیر صریح را نشان می‌دهد. تبیین یک فرایندی است که حصول آن برای افراد مختلف با توجه به امکانات تبیین متفاوت است از طرف دیگر چه حدی از تبیین مدنظر است؟ آیا تبیین کامل یعنی انتهای فرایند یا همان ابتدای آن نیز کفایت می‌کند. تبیین چگونه حاصل می‌شود با چشم یا گوش یا تجربه، مشخص نیست، بنابراین حتی می‌گوید فرایند حرکت مرزنا در صورتی که قصد حرکت داشته باشد باید در این محدوده باشد.

با این توضیح، در نگرش چندمعنایی با تکیه بر معنای پیشنهادی توجه به معنای ثانوی این حرف معطوف می‌گردد. بر این اساس برای مقوله متشکل از معنای یک واژه چند معنی، ساختاری مدوری تصور می‌گردد که مفهوم پیش‌نمونه در کانون آن قرار دارد و سایر معنایی که هر یک به دلیلی با این مفهوم کانونی تفاوت دارند، در فواصلی از کانون، روی شعاع این دایره قرار می‌گیرند. که مفهوم انتقال یکی از این معنای ثانویه است، اما در توسعه معنایی گاهی حتی نمی‌خواهد بگوید مسیرپیما فقط ملزم به حرکت تا این محدوده است بلکه معنایی دیگر پیدا می‌کند که در ادامه یکی از معنایی که این حرف به روش استعاری در آیات قرآن ایجاد کرده، تبیین خواهد شد.

مبنای ساخت مفهوم «انتقال»

مبنای ساخت مفاهیم استعاری از دیدگاه جانسون، طرح‌واره‌های تصویری هستند که سطح اولیه‌تری از ساخت شناختی زیر بنای استعاره را تشکیل می‌دهند و امکان ارتباط میان تجربیات فیزیکی انسان را با حوزه‌های شناختی پیچیده‌تر نظیر زبان فراهم می‌کنند. (گلفام و یوسفی راد، ۱۳۸۵؛ ص ۳۸، روشن و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۷۸) لذا صرفاً حوزه‌ی مبدأ در استعاره‌های مفهومی را تشکیل داده، (باقری خلیلی، محرابی کالی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶) و زیر

مجموعه‌ی استعاره‌های مفهومی و سازمان‌دهنده‌ی حوزه‌ی مبدأ در نگاشت استعاره‌ی محسوب می‌شوند. (باقری خلیلی، محرابی کالی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷) بنابراین طرح‌واره‌ها الگوهایی ادراکی و «پیش‌مفهومی» اند که در مراحل بعد انسان آن‌ها را به حوزه‌های انتزاعی و مجرد نیز تعمیم می‌دهد برای مثال تجربه‌ی فیزیکی ما از حرکت در مسیر، به ایجاد مفهوم استعاره‌ی انتقال می‌انجامد. همین ساختار ذهنی و «پیش‌مفهومی» انسان را قادر می‌کند تا بتواند مفاهیم بسیار مجرد چون مفهوم انتقال را نیز در قالب طرح‌واره‌ی حرکتی بیان کند. (رک: کرد زعفرانلو کامبوزیا و حاجیان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰-۱۲۴) لذا باید گفت مبنای ساخت مفهوم انتقال «طرح‌واره حرکت و جابه‌جایی» است، طبق نظر جانسون طرح‌تصویری حرکتی، از طریق تجربه حرکت کردن انسان و سایر پدیده‌های متحرک اطرافش، به وجود آمده و این تجربه برای سخنور فضایی می‌آفریند که در آن می‌تواند مفاهیم انتزاعی را با حرکت فیزیکی قابل درک کند. به این ترتیب؛ در زبان، شاهد تعبیراتی هستیم که انگاره‌ی نمودار مسیر حرکت‌اند، لذا وجود مسیر در این نوع طرح‌واره بدین معنا است که چیزی از جایی به جای دیگر حرکت می‌کند؛ یعنی از مبدأیی شروع می‌کند و به مقصدی می‌رسد. (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۶۹، قائمی نیا، ۱۳۹۰، ص ۶۰) بنابراین تضمین‌کننده‌ی معنای انتزاعی «انتقال» تجربه‌ی حرکت یک جسم از مکانی به مکان دیگر خواهد بود، که آن مقصد می‌تواند انتهای مسیر آن جسم باشد.

تحلیل موردی مفهوم استعاره‌ی «انتقال» در آیات

انتقال یعنی؛ گردیدن از حالتی به حالتی دیگر یا از حکمی به حکمی دیگر و یا جابه‌جا شدن شئی یا شخصی از مکانی به مکان دیگر. (رک: جواهر الکلام، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۳۹) در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که حرف «حتی» در آن‌ها این مفهوم انتزاعی را تبیین می‌کند و خداوند از حتی در این مفهوم مقاصدی دارد که در ادامه به تحلیل آن پرداخته می‌شود. لذا حتی در این جا تغییر مکان مسیریما و منتقل شدن او از جایی به جای دیگر را نشان می‌دهد، مانند نمونه قرآنی زیر که مسیریما با ورودش به مرزما در واقع از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر انتقال یافته است؛

الف: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ نَطْلُعَ الْفَجْرَ» (قدر/۵) «شبی است سرشار از سلامت تا طلوع سپیده.»

از آنجایی که سلامت و رحمت خداوند فقط منحصر به شب قدر نیست بلکه در همه‌ی زمانها رحمت و برکت خداوند بر بندگانش جاری و ساری است پس تفسیر این آیه بر اساس دیدگاه برخی مفسران قابل توجه است، که می‌گویند: در شب قدر باب نعمتش و عذابش بسته است، به این معنا که عذابی جدید نفرستد. و لازمه این معنا آن است که طبعاً در آن شب کید شیطان‌ها هم مؤثر واقع نشود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص: ۳۳۳) در صورتی که در شب قدر هم، برخی از انسانها به گناه و فساد می‌پردازند که قطعاً سلامت و رحمت خدا نمی‌تواند شامل آنها شود بنابراین منظور از مطلع الفجر همان طلوع روشنایی در تعبیر عارفان است که طبق آن انسان بعد از جدا شدن از طبیعت حیوانی خود وارد آن شب شده و چون با تحیر و سرگردانی همراه است از آن به شب یاد شده، از طرفی چون هنوز تا مرتبه‌ی ملکوتی شدن هم فاصله دارند، سلامت و رحمت آنها تا رسیدن به ملکوت و مطلع الفجر تضمین می‌شود، بنابراین حتی، انتقال از این مرحله وجودی را به مرحله‌ی دیگر یعنی مرحله‌ی اتصال به نور مطلق نشان می‌دهد

نکته ی دیگر اینکه «مطلع» به عنوان مرزنا قرار گرفته، در صورتی که می‌توانست «یطلع» بکار رود تا با این چینش و گزینش واژگان به نوعی ثبوت فرایند را بیان کند و از این طریق تصویر کاملی از طلوع ارائه دهد. به تعبیر دیگر کسی که به مطلع فجر خودش می‌رسد و به حقیقت روشنایی منتقل می‌شود این حالت برایش برای همیشه ثابت می‌ماند، در صورتی که اگر منظور شب قدر بود، از فعل یطلع استفاده می‌کرد تا توالی طلوع فجر را که در طول سالهای عمر هر شخص به صورت تدریجی جریان دارد را افاده کند.

ب: «وَ اغْبُدْ رَبَّ حَتَّىٰ يَأْتِيكَ الْيَقِينُ» (حجر/۹۹) «و پروردگارت را عبادت کن تا یقین تو فرا رسد.»

در این آیه نقش حتی، به روش استعاری کد گذاری معنای ثانویه یعنی «انتقال» است، منظور، انتقال از مرحله اولیه‌ی عبادت و تکلیف به مرحله بالاتری از آن یعنی یقین است. به تعبیر دیگر عبادت مرحله‌ای از بندگی است و یقین مرحله‌ی بالاتری از آن در نتیجه حتی انتقال از یک مرتبه به مرتبه‌ای دیگر را تبیین می‌کند. بنابراین حتی پایان عبادت را بیان نمی‌کند به این دلیل که یافتن نقطه‌ی پایان برای یَأْتِيكَ الْيَقِينُ (آمدن یقین) امری ناممکن است، که بتوان آن را حدی برای خاتمه‌ی عبادت در نظر گرفت و از طرفی هیچ کس نمی‌تواند به طور کامل ادعا کند که به یقین دست یافته تا از این طریق دست از عبادت و بندگی بشوید، پس معنای حتی همان‌طور که گفته شد، انتقال بنده از یک حالت بندگی به سطح بالاتری از آن است نه نشان دادن ختم عبادت با ظهور یقین در او.

ج: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ السُّكَّارِ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...» (نساء/۶۵) «ای کسانی که ایمان آورده اید

در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید.»

در این جا خداوند ابتدا، مسیریما را که در حالت سکر و مستی قرار دارد، از نزدیک شدن به محیط نماز منع کرده و با آوردن «حتی» می‌گوید، مگر این‌که به مرحله‌ی فهم منتقل شود، مسیریما را به سوی مرزنا می‌سوق می‌دهد که کلید رفع این مانع است و آن «تعلموا ما تقولون» است، بنابراین با دانستن آن‌چه در نماز گفته می‌شود مسیریما از حالت منع خارج می‌شود، و می‌تواند به نماز نزدیک شود. در واقع از آنجایی که در این آیه از فعل «لاتقربوا» استفاده شده مشخص می‌شود که منظور نزدیک نشدن به جایگاه نماز است چنان‌که در برخی تفاسیر نیز آمده (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۶۰/۵۰) زیرا اگر منظور خود نماز بود باید از افعالی چون «لا تقرئوا» استفاده می‌شد که دلالت بر نهی از خواندن نماز دارند، اما اینکه بعد از حتی و در واقع در مرزنا از «حتی تعلموا ما تقولون» استفاده شده یک گام به جلوتر برداشته و نهی را علاوه بر نزدیک نشدن به محل نماز به خود نماز هم متوجه می‌سازد زیرا؛ در این جا از فهمیدن گفته‌ها سخن می‌گوید که دلالت بر قرائت نماز دارد. بنابراین کاربرد حرف حتی مخاطب آیه را که ابتدا از نزدیک شدن به محل نماز منع شده بود به مرحله‌ی نهی از خواندن نماز انتقال می‌دهد.

د: «وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ تَبْلُغُوا أَشُدَّهُ...» (اسراء/۳۴) «و به مال یتیم، جز به بهترین راه

نزدیک نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد.»

در شاهد فوق برای بیان تغییر وضعیت یتیمان از حرف حتی استفاده شده است، واژه‌ی یبلغ که برای حد بالای تغییر حالات یتیم بکار رفته به معنای رسیدن است، رسیدن به انتهای بلوغ جسمی، فکری یا اقتصادی، اینکه کدام مورد

منظور است به دلیل تدریجی بودن استحکام جسمانی و روحانی، مشخص نیست؛ بلکه بیان کننده‌ی حد بالای این حالات است که در تغییری تدریجی رشد یتیم، تا به این حد رسیده است، نکته‌ی دیگری که معنایی استعاری حرف حتی (انتقال) را تأیید می‌کند، این است که، بعد از رسیدن یتیم به بلوغ نیز نزدیک شدن به مال او جایز نیست؛ بنابراین حتی صرفاً انتقال از یک حالت به حالتی دیگر را در شخص یتیم بیان می‌کند نه انتهایی که بعد از آن سرپرست بتواند به مال یتیم نزدیک شود.

ه: «وَوَالْقُرْآنَ قَدَرْنَا مَنْزِلَ حَتَّىٰ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ» (یونس/۳۹) «و برای ماه منزلگاه‌هایی قرار دادیم، تا بصورت

«شاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» در می‌آید.»

در این آیه زمینه جمله‌ی واژه‌ی است که خود مبین مقولات فعلی متعدد است؛ زیرا این فعل به معنای شدن است و فعل شدن، پیوستگی در تغییر حالات شیء متحرک را بیان می‌کند، بنابراین عاد (شدن) یک فرایند کامل طرحواره‌ی را به تصویر کشیده، که در مفهوم شناختی، تغییر حالات ماه با آن کد گذاری شده است، به این صورت که در مسیر کامل شدن ماه توقف‌گاه‌های مختلفی وجود دارد؛ تا این که خداوند حالت آخرین تغییرات ماه را چون خوشه‌ی خشک خرما تصویرسازی می‌کند، در واقع با کاربرد حرف حتی؛ انتقال شکل ظاهری ماه را در ایام آخر نشان می‌دهد اما این پایان راه نیست و سیر حرکت ماه مجدداً تکرار شده و در ایام و روزهای مختلف سال بارها این رخداد به نمایش گذاشته می‌شود. لذا کاربرد حتی در این مثال بیانگر انتقال ماه از وضعیتی به وضعیت دیگر است تا این که به آخرین وضعیت خود یعنی «عاد کالعرجون القدیم» در یک سیر تجدیدی می‌رسد. بنابراین همنشینی «حتی» با «عاد» می‌گوید این فرایند همواره در حال تجدد است یعنی این پدیده پایان قطعی ندارد، بلکه انتقال ماه به مرحله‌ی «شبه شدن به شاخک خرما» یک پایان فرضی است که با گذشت زمان دوباره از سر گرفته می‌شود.

و: «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (رعد/۱۱) «خداوند سرنوشت هیچ قوم را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!»

نقش حرف حتی در این تعبیر انتقال مسیریما از حالت عدم تغییر به تغییر و دگرگونی است، به این صورت که، سیر گردش خوشی و اعطای نعمت به انسان وجود دارد تا به ناسپاسی روی آورده و سرنوشت توام با نعمتش را به نعمت مبدل سازد؛ لذا اگر انسان از حالی به حال دیگر منتقل شود، در این صورت خداوند هم، سرنوشتش را متناسب با آن حال تغییر می‌دهد زیرا در این خصوص گفته شده، نعمتها و موهبت‌هایی که به انسان می‌دهد مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد، که اگر آن حالات موافق با فطرتش جریان یافت آن نعمتها و موهبتها هم جریان داشته باشد، و مادامی که آن حالت در دل‌های ایشان دوام داشته باشد این وضع هم از ناحیه خدا دوام یابد، و هر وقت که ایشان حال خود را تغییر دادند خداوند هم وضع رفتار خود را عوض کند و نعمت را به نعمت مبدل سازد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۸/۱۱؛ عاملی، ۱۳۶۰: ۲۴۰/۵) بلکه این اراده و خواست ملتها، و تغییرات درونی آنهاست که آنها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد.

ز: «... وَ لَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ...» (رعد/۳۱) «و پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می‌شود، و یا به نزدیکی خانه آنها فرود می‌آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد.»

خداوند در این آیه از پیوستگی فرود آمدن عذاب بر کافران در دنیا سخن گفته؛ اما با آوردن «حتی» وعده‌ی عذابی دیگر که به سوی آن‌ها می‌آید، در مرزما قرار می‌گیرد، در واقع بعد از گذر از عذاب‌های متعدد راهی عذابی دیگر در آخرت می‌شوند؛ لذا هدف استفاده از «حتی» خبر دادن از انتقال کافران از یک سلسله عذاب به عذابی برتر که آن عذاب دیدن کیفر اعمال زشت در قیامت یا به احتمال ضعیف وعده خداوند نسبت به فتح مکه است. (رک: طبرسی: ۷۰/۱۳) بنابراین، همواره بدین حال هستند، تا آنکه آن عذابی که خداوند وعده‌شان داده برسد.

بنابراین حرف حتی با رابطه‌ی هم‌نشینی و تلفیقی که با سایر واژگان در ترکیب آیات فوق ایجاد کرده، مفهوم انتقال را در چشم‌اندازی یکسان به نمایش گذاشته‌است، تلفیق مفهومی نشان می‌دهد، معنای یک ساختار چیزی بیش از مجموع معنای بخش‌هاست و این تلفیق، مکانیسم انتقال از یک قالب به قالب دیگر را نیز نشان می‌دهد و تأثیر فضاهای گوناگون را در شکل‌گیری معنا نیز معلوم می‌کند. (قائمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴) در واقع از تأثیر مفهوم مسیریما در مرزما که با معنای پیشنهادی حرف حتی به هم مرتبط شده‌اند، معنای ثانویه‌ی دیگری که همان «انتقال» است، قابل تبیین شده‌است.

نتیجه‌گیری

روش شناختی در فهم معنای واژگان یکی از پدیده‌های شناخته شده در زبان‌شناسی شناختی است، لذا می‌تواند یک رویکرد تفسیری تلقی شده، که به فهم عمیق واژگان و حروف قرآنی منجر می‌شود. با تکیه بر متن این نوشتار و مطالعات انجام شده، می‌توان گفت، معنای اصلی که فرهنگ‌های لغات از حرف حتی ارائه دادند، متناسب با حرف «الی» بوده و معنای دقیقی نمی‌باشد، از این رو، معنای پیشنهادی این حرف مورد موشکافی بسیار قرار گرفت و چنین برداشت شد، تفسیر مفسرانی که حتی را صرفاً با تکیه بر معنای سنتی آن تفسیر کرده‌اند، دچار ضعف بوده، که سعی شد در این تحقیق در پاره‌ای از موارد مرتفع گردد. خلاصه این که از معنای پیشنهادی حرف «حتی» در عربی معنای زیادی به روش استعاری به دست می‌آید، یکی از این معانی «انتقال» است، که ساختار آن بر مبنای طرح‌واره‌ی حرکت و جابه‌جایی مسیریما از یک مکان به مکان دیگر شکل می‌گیرد، که با نظر به این مفهوم‌سازی حتی، آیاتی که این حرف معنای انتقال را در آن‌ها کد گذاری کرده بود، مورد واکاوی قرار گرفته و واقعیت‌های تفسیری روشن‌گرانه‌تری از این آیات حاصل شد.

منابع

قائمی‌نیا، علیرضا، «زبان‌شناسی شناختی»، فصلنامه ذهن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۳۱، ۱۳۸۶، (صص ۱۷-۱۱).

- باقری خلیلی، علی اکبر، محرابی کالی، منیره، «طرح واره چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ شیرازی»، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی، س ۶، ش ۲۳، ۱۳۹۲، (ص ۱۲۵-۱۴۸).
- روشن، بلقیس، یوسفی راد، فاطمه، شعبانیان، فاطمه، «مبنای طرح واره ای استعاره های موجود در ضرب المثل های شرق گیلان»، مجله: زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، ۱۳۹۲، (صص ۷۵-۹۴).
- صفوی، کورش، «بحثی درباره ی طرحواره های تصویری از دیدگاه معنی شناسی شناختی»، مجله: نامه فرهنگستان، ش ۲۱، ۱۳۸۲ (صص ۶۵-۸۵).
- طباطبایی، سید محمد حسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۴۱۷.
- طبرسی، فضل بن حسن، «ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تحقیق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، (۱۳۶۰ ش)، چ ۱.
- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق، چ ۱، ۱۳۶۰.
- قائمی نیا، علیرضا، «معناشناسی شناختی قرآن»، تهران: انتشارات: فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۹۰.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه، حاجیان، خدیجه، «استعاره های جهتی قرآن با رویکرد شناختی»، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی. س ۳، ش ۹، ۱۳۸۹ (صص ۱۱۵-۱۳۹).
- گلفام، ارسلان، یوسفی راد، فاطمه، «بررسی حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی: مطالعه موردی حرف اضافه در / توی»، مجله زبان و زبانشناسی، دوره ۲، ش ۳، ۱۳۸۵، (صص: ۳۳-۴۶).
- راسخمهند، محمد، در آمدی بر زبان شناسی شناختی، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
- راسخمهند، محمد، «اصول و مفاهیم بنیادی زبان شناسی شناختی». بخارا. ش ۶۳، ۱۳۸۶، (صص ۱۹۱-۱۷۲).
- نجفی، محمد حسن، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، دار الکتب الاسلامیه، چ ۱۰، ۱۳۷۴.

A cognitive look at the metaphorical concept of transition By the words even(hatta) in the Qur'an

Abstract

In this research, one of the concepts of "even", which is the reporter of human experiential work, has been found in the Qur'an, is to explain its impact on Quranic conceptualizations, hence, among the various roles of the letter, even of attention to the texture and Various applications are obtained, the role of which leads to the transmission of a route from the state, position or rank to another state and order. This is described by descriptive-analytic method and by explaining the main and focal meaning of the letter and extraction of verses in which even the abstract concept of "transference" is explained in a metaphorical way, provides a more detailed analysis of the function of this verse in the verses and The basis for constructing this concept, which is shaped by the physical and human experiences, is to illustrate the methodological importance in the more actual interpretation of the Qur'anic words, including the letters.

Key words: cognitive semantics, even(hatta) letters, transposition, metaphor

